

## بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در جمع اقشار مختلف مردم در روز میلاد پربرکت حضرت ولی عصر (عج) - 17 ادی / 1374

بسم الله الرحمن الرحيم

این روز بزرگ و یادبود یکی از درخشانترین لحظه های تاریخ را به همه مستضعفین عالم؛ بخصوص مسلمانان جهان در هر نقطه ای که هستند و به ویژه به ملت عزیز و بزرگ و مبارز و رشید ایران و همچنین به شما برادران و خواهران - مخصوصاً خانواده های محترم شهیدان و جانبازان و آزادگان عزیز - که لطف کردید، تشریف آوردید و روز عید ما را عید کردید و این محفل نورانی و صمیمی را تشکیل دادید، تبریک عرض می کنم. امیدواریم که امروز بر شما عید و مبارک باشد و مشمول برکات روز ولادت آن مظهر عدل الهی و مصداق بارز میثاق بزرگ پروردگار، قرار گیرید.

روز ولادت حضرت مهدی موعود ارواحنا فدا، یک عید حقیقی برای همه افراد بشر و آن کسانی است که ستمی کشیده اند، رنجی برده اند، دلشان سوخته است، اشکی ریخته اند، انتظاری کشیده اند و یا با مشاهده ناملایمات در طول حیات خود و در هر نقطه ای از عالم - و حتی در هر نقطه ای از تاریخ - مصیبتی تحمل کرده اند. همه آنها در مثل چنین روزی و به یاد امروز، احساس شادمانی و امید و نشاط کرده اند.

این ولادت بزرگ و این حقیقت عظیم، متعلق به یک ملت و یک زمان خاص نیست؛ بلکه متعلق به بشریت است. این «میثاق الله الذی أخذہ و وکده»، میثاق خدا با انسان است. «وعد الله الذی ضمنه»؛ این، وعده خداست که تحقق آن را ضمانت کرده است. همه انسانهای طول تاریخ، نسبت به این پدیده عظیم و شگفت آور، احساس نیاز معنوی و قلبی کرده اند؛ چون تاریخ، از اول تا امروز و از امروز تا لحظه طلوع آن خورشید جهانتاب، با ظلم و بدی و پلیدی آمیخته بوده است. همه کسانی که از ظلمی رنج برده اند - چه آنهایی که به خودشان ظلم شده است و رنج برده اند و چه آنهایی که به ستمکشی دیگران نگاه کرده اند و رنج برده اند - با یاد ولادت این منجی عظیم تاریخ و بشر، در دلشان امیدی به وجود می آید.

به همین خاطر، شما می بینید که این حقیقت، مخصوص شیعه هم نیست؛ بل همه ادیان و مذاهب، عقیده دارند که یک منجی و یک دست مقتدر الهی، در مقطعی از تاریخ خواهد آمد و در نجات بشر از ظلم و جور، معجزه گری خواهد کرد. فرقی که ما شیعیان با دیگران و بقیه فرق اسلامی و غیر اسلامی داریم، این است که ما این شخص عظیم و عزیز را می شناسیم؛ اسمش را می دانیم، تاریخ ولادتش را می دانیم، پدر و مادر و آباء و اجداد عزیزش را می شناسیم و قضایایش را می دانیم؛ ولی دیگران اینها را نمی دانند. آنها عقیده پیدا نکردند یا باخبر نشدند و نمی دانند؛ ولی ما می دانیم. تفاوت این جاست. به همین دلیل است که توسلات شیعه، زنده تر و پرشورتر و با معناتر و با جهت تر است.

پس امروز، روز عید واقعی است؛ یعنی روز ولادت، برای همه بشر و تاریخ - حتی برای گذشتگان - عید است. کسانی بودند که در دوران تاریک فرعونها و نمرودها و ابوجهلها و سلاطین ظالم، در فقر و ظلم و تبعیض سر کردند و مُردند و رنج کشیدند و روی خوبی ندیدند؛ امروز برای آنها هم عید است. اگر روح آنها در عالم برزخ، از بعضی از تفضلاتی که پاره ای از ارواح برخوردارند، بهره مند باشد؛ یقیناً مثل چنین روزی، شادی خواهند کرد. امروز با بقیه ایام و اعیاد، تفاوت دارد. واقعاً اگر ما امروز را «عید الله الاکبر» بنامیم، مبالغه و گزاف نیست.

در قضیه ولادت آن بزرگوار و اعتقادی که به این حقیقت است، اگر انسان در دو ناحیه و در دو جهت جستجو کند، آثار عظیمی را مشاهده می کند:

اول، از جهت معنوی و روحی و تقرب الی الله و جهات تکامل فردی انسان است. کسی که اعتقاد به این مسأله دارد، چون با مرکز تفضلات الهی و نقطه اصلی و کانون اشعاع رحمت حق، رابطه ای روحی برقرار می کند، توفیق بیشتری برای برخورداري از وسایل عروج روحی و تقرب الی الله دارد. به همین خاطر است که اهل معنا و باطن، در توسلات معنوی خود، این بزرگوار را مورد توجه و نظر دائمی قرار می دهند و به آن حضرت توسل می جویند و توجه می کنند.

نفس پیوند قلبی و تذکر و توجه روحی به آن مظهر رحمت و قدرت و عدل حق تعالی، انسان را عروج و رشد می دهد و وسیله پیشرفت انسان را - روحاً و معنأ - فراهم می کند.

این، یک میدان وسیع است. هر کس که در باطن و قلب و دل و جان خود، با این بزرگوار مرتبط باشد، بهره خودش را خواهد برد. البته، توجه به کانون نور، باید توجه حقیقی باشد. لقلقه زبان در این زمینه، تأثیر چندانی ندارد. اگر انسان، روحاً متوجه و متوسل شد و معرفت کافی برای خود به وجود آورد، بهره خودش را خواهد برد. این، یک میدان فردی و تکامل شخصی و معنوی است.

جهت و وجهه دوم عبارت است از میدان زندگی اجتماعی و عمومی و آن چه مربوط به سرنوشت بشر و ملتهاست. در این زمینه، اعتقاد به قضیه مهدی و موضوع ظهور و فرج و انتظار، گنجینه عظیمی است که ملتها می توانند از آن بهره های فراوانی ببرند. شما کشتی ای را در یک دریای توفانی فرض کنید! اگر کسانی که در این کشتی هستند، عقیده داشته باشند که اطرافشان تا هزار فرسنگ، هیچ ساحلی وجود ندارد و آب و نان و وسایل حرکت اندکی داشته باشند، چه کار می کنند؟ آیا هیچ تصوّر می شود که اینها برای آن که حرکت کنند و کشتی را پیش ببرند، تلاشی بکنند؟ نه؛ چون به نظر خودشان، مرگشان حتمی است. وقتی انسان مرگش حتمی است، دیگر چه حرکت و تلاشی باید بکند؟ امید و افقی وجود ندارد.

یکی از کارهایی که می توانند انجام دهند، این است که در این مجموعه کوچک، هر کس به کار خودش سرگرم شود. آن کسی که اهل آرام مردن است، بخوابد تا بمیرد و آن که اهل تجاوز به دیگران است، حق دیگران را بگیرد تا آن که چند ساعتی بیشتر زنده بماند. طور دیگر هم این است که کسانی که در همین کشتی هستند، یقین داشته باشند و بدانند که در نزدیکی شان ساحلی وجود دارد. این که آن ساحل دور و یا نزدیک است و چقدر کار دارند تا به آن برسند، معلوم نیست؛ اما قطعاً ساحلی که در دسترس آنهاست، وجود دارد. این افراد چه کار می کنند؟ تلاش می کنند که خود را به آن ساحل برسانند و اگر یک ساعت هم به آنها وقت داده شود، از آن یک ساعت برای حرکت و تلاش صحیح و جهت دار، استفاده خواهند برد و فکرشان را روی هم خواهند ریخت و تلاششان را یکی خواهند کرد تا شاید بتوانند خود را به آن ساحل برسانند.

امید، چنین نقشی دارد. همین قدر که امیدی در دل انسان به وجود آمد، مرگ بالهای خود را جمع می کند و کنار می رود. امید موجب می شود انسان تلاش و حرکت کند، پیش ببرد، مبارزه کند و زنده بماند. فرض کنید ملتی در زیر سلطه ی ظالمانه قدرت مسلطی قرار دارد و هیچ امیدی هم ندارد. این ملت مجبور است تسلیم شود. اگر تسلیم نشد، کارهای کور و بی جهتی انجام می دهد. اما اگر این ملت و جماعت، امیدی در دلشان باشد و بدانند که عاقبت خوبی حتماً وجود دارد، چه می کنند؟ طبیعی است که مبارزه خواهند کرد و مبارزه را نظم خواهند داد و اگر مانعی در راه مبارزه وجود داشته باشد، آن را بر طرف خواهند کرد.

بشریت در طول تاریخ و در حیات اجتماعی، مثل همان سرنشینان یک کشتی توفان زده، همیشه گرفتار مشکلاتی از سوی قدرتمندان و ستمگران و قوی دستان و مستطین بر امور انسانهای مظلوم بوده است. امید، موجب می شود که انسان به مبارزه بپردازد و راه را باز کند و پیش برود. وقتی به شما می گویند انتظار بکشید، یعنی این وضعیتی که امروز رنجتان می دهد و دلتان را به درد می آورد، ابدی نیست و تمام خواهد شد. ببینید چقدر انسان حیات و نشاط پیدا می کند! این، نقش اعتقاد به امام زمان صلوات الله علیه و ارواحنا فداه است. این، نقش اعتقاد به مهدی موعود است. این عقیده است که شیعه را تا امروز، از آن همه پیچ و خمهای عجیب و غریبی که در سر راهش قرار داده بودند، عبور داده است و امروز بحمدالله پرچم عزت و سربلندی اسلام و قرآن، در دست شما ملت مسلمان و شیعه ایران است. هر جا که چنین اعتقادی باشد، همین امید و مبارزه وجود دارد.

به همین خاطر، یکی از اساسیترین کارهای استعمار و استکبار و ایادی آن، این بوده است که عقیده امید و مبارزه را در دل مردم از بین ببرند. بارها خواسته اند این چراغ را خاموش کنند؛ ولی نتوانسته اند. ما می دانیم که استعمار و استکبار، چه تلاشی را در این جهت - نه فقط در ایران؛ بلکه در سطح دنیای اسلام - انجام داده است تا این چراغ را خاموش کند. در گزارش بسیار مهمی که مربوط به سالها قبل است و جدید نیست، تلاش گروههای تبلیغی مسیحیت

که از اروپا به سمت شمال آفریقا اعزام می شدند تا جاده استعمار را در آن جا صاف کنند، نشان داده شده بود. یکی از غصه های دینداران دنیا این است که قدرتمندان مسلط بر کشورهای مسیحی، تبلیغ علی الظاهر دین مسیح در سطح دنیا را وسیله ای برای پیش بردن ماشین استعمار قرار دادند و اینها جاده صاف کن استعمار شدند. گروههای تبلیغی و به اصطلاح تبشیری را به عنوان تبلیغ مسیحیت - که ظاهرش تبلیغ مسیحیت بود؛ اما باطن قضیه این بود که راه را باز کنند تا استعمارگران اروپایی از کشورهای مختلف اروپایی آن روز، وارد کشورهای اسلامی شوند و قدرت سیاسی را قبضه کنند - به اطراف دنیا فرستادند و متأسفانه در بسیاری از جاها هم موفق شدند.

این گزارش، مربوط به گروههای تبلیغی در شمال آفریقا است. گزارشگر می نویسد: «یکی از مشکلات ما در سر راه تبلیغ مسیحیت و پیشرفت استعمار در شمال آفریقا و منطقه تونس و مغرب این است که این مردم اعتقاد دارند که مهدی موعود خواهد آمد و اسلام را سربلند خواهد کرد». گزارشگر، این را در گزارش رسمی خود می نویسد و برای هیأتی که مسؤول رسیدگی به این کارهاست، می فرستد. بنابراین، نفس اعتقاد به مهدی موعود، باعث ایجاد مشکل برای استکبار و استعمار شده بود؛ در حالی که اعتقادی که برادران ما در آن مناطق دنیا دارند، به روشنی و وضوح اعتقادی که ما امروز در این جا داریم نیست؛ بلکه بیشتر ابهامات و کلی گویی وجود دارد تا تعیین مصداق و مورد و نام و خصوصیات. در عین حال، استعمارگران از این امید ترسیدند.

در همین کشور خود ما، یکی از بزرگان علما و روحانیون محترمی که امروز بحمدالله در میان ما هستند و برکات وجود ایشان باز هم شامل حال مردم می شود، برای من نقل می کردند که در اوایل روی کار آمدن رژیم منحوس و فاسد و وابسته پهلوی، آن کودتاگر بی سواد فاقد هر گونه معرفت و معنویت، یکی از آخوندهای وابسته به دربار را صدا کرد و از او پرسید این قضیه امام چیست که چنین مشکلاتی برای ما درست کرده است؟! آن آخوند هم بر طبق دل و میل او، جوابی می گوید و آن قلدر هم مأموریت می دهد که بروید مسأله را حل و تمام کنید و این اعتقاد را از دل مردم بیرون بیاورید! او می گوید: این کار آسان نیست و خیلی مشکلات دارد و باید کمک کم کم و با مقدمات شروع کنیم. البته آن مقدمات به فضل پروردگار و با هشیاری علمای ربّانی و آگاهان این کشور، در آن دوران ناکام ماند و نتوانستند آن نقشه شوم را عملی کنند. در کشور ما، یک کودتاجی غاصب، از طرف دستگاههای قدرت استعماری مأموریت داشت که بیاید ایران را قبضه کند و کشور را دو دستی تحویل دشمن دهد و برای آن که بتواند بر این مردم مسلط شود، یکی از مقدمات لازم این بود که عقیده به مهدی موعود را از ذهن مردم پاک کند. عقیده به امام زمان، نمی گذارد مردم تسلیم شوند؛ به شرطی که این عقیده را درست بفهمند. وقتی که این عقیده به طور حقیقی در دلها جا بگیرد، حضور امام غایب در میان مردم حس می شود. امام بزرگوار و عزیز و معصوم و قطب عالم امکان و ملجأ همه خلایق، اگر چه غایب است و ظهور نکرده، اما حضور دارد. مگر می شود حضور نداشته باشد؟ مؤمن، این حضور را در دل خود و با وجود و حواس خویش حس می کند. آن مردمی که می نشینند، راز و نیاز می کنند؛ دعای ندبه را با توجه می خوانند و زیارت آل یاسین را زمزمه می کنند و می نالند، می فهمند چه می گویند. آنها حضور این بزرگوار؛ را حس می کنند؛ ولو هنوز ظاهر نشده و غایب است. غیبت او، به احساس حضورش ضرری نمی زند. ظهور نکرده است؛ اما هم در دلها و هم در متن زندگی ملت حضور دارد. مگر می شود حضور نداشته باشد؟ شیعه خوب کسی است که این حضور را حس کند و خود را در حضور او احساس نماید. این، به انسان امید و نشاط می بخشد. این ملت بزرگ، بیش از همه چیز به همین امید نیاز دارد؛ ملتی که در راه خدا و برای عظمت اسلام، مجاهدت و مبارزه می کند و افتخار طول تاریخ بشر و همه تاریخ اسلام شده و پرچم اسلام را در زمان ما به اهتزاز در آورده است. چنین ملتی، بیشتر از همه چیز، به همین امید درخشان احتیاج دارد. آن اعتقاد، این امید را به او می بخشد.

قبل از پیروزی انقلاب، دشمن از همه وسایل استفاده می کرد تا مردم را از پیروزی انقلاب ناامید کند. می گفتند: «مگر می شود چنین انقلابی بر پا شود و ملت با دست خالی بر دستگاه تا دندان مسلح پیروز گردد؟! اصلاً ممکن نیست!» این ناامیدی را با هزار زبان، در میان مردم ترویج می کردند؛ ولی مردم، امیدشان را از دست ندادند. امام بزرگوار ما به عنوان یک رهبر تمام عیار، بیشترین همّت خود را به امیدوار نگاه داشتن مردم گماشته بود. وقتی

مردم امیدوارند، حرکت و تلاش می کنند. در مقابل تلاش مردم، هیچ قدرتی نمی تواند مقاومت کند. فقط باید مردم امیدوار باشند. امام بزرگوار، از همه وسایل الهی و ملکوتی و معنوی استفاده کرد و این امید را در مردم دمید و به برکت آن امید، این پیروزی بزرگ به دست آمد.

بعد از پیروزی انقلاب هم، دشمنان این ملت، دائماً آیه یأس خواندند. مرتب می گفتند و می گویند: «شما نمی توانید کشور را اداره کنید! مگر می شود با امریکا در افتاد؟! مگر می شود در مقابل دنیای مادی مقاومت کرد؟! فایده ای ندارد. باید تسلیم شد و باید قبول کرد!» هر جا پیروزی ای بود، آن را در رادیوها و رسانه های جهانی کتمان کردند؛ نگفتند و یا عوضی گفتند! هر جا مختصر ناکامی ای بود، از کاه، کوهی درست کردند! با همه این تبلیغات، مردم ما مأیوس نشدند. جنگ را گذراندند، بعد از جنگ را پشت سر گذاشتند و به سازندگی مشغول شدند. تا امروز - به فضل پروردگار - مردم تلاش و مجاهدت کرده اند و امیدشان روز به روز بیشتر شده است؛ چون پیشرفت را مشاهده می کنند.

این ملت، در اول انقلاب کجا قرار گرفته بود و امروز کجاست؟ آن روز، ما جز یک ویرانه در اختیار نداشتیم و این کشور همه چیزش وابسته بود و بسیاری از آنچه که از دوران رژیم گذشته باقی مانده بود، همراه با وابستگی و پایه های بی بنیاد و سست بود. امروز، ملت ما حرکت کرده، نیرومند شده، قدرت نظامی خود را سنجیده و قدرت سیاسی را مشاهده کرده است. دیده است که چطور در مقابل دنیای ظلم و استکبار می شود مقاومت کرد. سازندگی را تجربه کرده است. الان - به فضل پروردگار - برای هر کس که نگاه می کند، در همه جای کشور، تلاش سازندگی محسوس است.

معلوم است که امید این ملت را نمی توانند از او بگیرند. حال، دشمن به تلاشهای مفتضح افتاده است. این که شما می بینید دستگاه سیاسی امریکا، گیج گیج می خورند و کارهای نسنجیده انجام می دهند و نمی دانند در مقابل ملت و دولت ایران چه بکنند؛ بر اثر قدرت و امید شماست. به خاطر عزم راسخ این ملت است که دشمن نمی داند در مقابل مردم ایران چه باید بکند و کارهای ابلهانه انجام می دهد.

آنچه که امروز از طرف قدرتمندان و سیاستمداران امریکا - چه رئیس جمهور آن و چه دیگرانی که این کارها را می کنند و این حرفها را می زنند - صادر می شود، به ضرر خود آنهاست. قضاوت دنیا هم این است که به ضرر آنهاست. یک دولت، باید این قدر خود را در دنیا مفتضح کند که برای خرابکاری در یک کشور دیگر بودجه بگذارد؟! شما خیال می کنید عقلا و سیاستمداران عالم و انسانهای با فرهنگ دنیا نمی فهمند این کار چقدر وقیح و شرم آور است؟ بدیهی است که تلاش آنها، ناموفق است. همه، این را می دانند. از روز اول انقلاب، اینها علیه جمهوری اسلامی بودجه گذاشتند، خرج کردند، اسم هم نیاوردند و جایی هم ننوشتند. این بمب گذاریها و این منافق پروریها، همه با بودجه همینهاست. چقدر تا به حال توانستند موفق شوند؟! معلوم است که امروز هم مثل آن زمان ناموفقند. در این، شبهه نیست.

اینها این قدر رسوایی خود را در مقابل افکار عمومی دنیا، مفتضحانه بر ملا کردند که اقدام خود را به صورت یک مصوبه گذراندند! این، همان داغ باطله خدایی به پیشانی آنهاست. دیگران و عقلای عالم می فهمند؛ اما خود اینها نمی فهمند! رژیم امریکا خیال کرد که با تصویب مبلغی - حال بیست میلیون دلار نه؛ دو بیست میلیون دلار، دو میلیارد دلار - برای خرابکاری در ایران بزرگ و سربلند و اسلامی، کشور ما را در انزوا قرار خواهد داد؛ ولی خودش در انزوا قرار گرفت؛ بدون این که بداند و بفهمد!

اینها خیال کردند که افکار عمومی عالم نمی فهمد چقدر این حرکت سخیف و رسواست. ممکن است حال که افکار عمومی دنیا، این کار را محکوم کرده است و هر چه هم بگذرد بیشتر محکوم خواهد کرد، واقعیات را بفهمند و پشیمان شوند و کاری کنند که یاد این قضیه به فراموشی سپرده شود؛ اما مگر ما می گذاریم؟ مگر ما می گذاریم این فضاحت امریکایی فراموش شود؟ همه دنیا و همه نسلهای آینده، باید بدانند که در دورانی، وقاحت رژیم امریکا به این جا می رسد که صریحاً در مقابل یک دولت آزاد و یک ملت مقتدر، بودجه خرابکاری تصویب می کند! زشتترین و محکومترین کاری که ممکن است دولتی در روابط بین الملل انجام دهد؛ همین کار است. دولتمردان امریکا خیال

می کنند که دنیا تسلیم دیکتاتوری آنها خواهد شد! این خیال، عجب اشتباه پرخسارتری برای آنها خواهد بود! البته امروز آنها سرگرم و مست مبارزات دور از اصول انسانی معمول خودشان در باب انتخاباتند و نمی فهمند چه می کنند. قدری که گرد و غبار فرو بنشیند، آن وقت می فهمند که چه غلطی کرده اند. خیال می کنند که دنیا تسلیم آنها خواهد شد. عجب اشتباهی!

بسیاری از ملتها، در گوشه و کنار دنیا همدست و یکپارچه شدند و محرومیتها و سختیها را تحمل کردند و استبداد داخل کشور را خرد نمودند. شما نگاه کنید؛ بر بسیاری از کشورها در پنجاه یا شصت و یا صد سال پیش، رژیمهای مستبدی حکمرانی می کردند؛ ولی ملتها مبارزه و تلاش کردند. همه مبارزات صد ساله اخیر - بخصوص پنجاه سال میانه این قرن - در مقابل استبدادهای داخلی بود. این ملتها مبارزه کردند و استبداد داخلی را شکست دادند؛ یعنی اگر یک هم میهن خودشان خواست به آنها زور بگوید، او را از تخت سلطنت و قدرت و حکومت به زیر کشیدند و تحمل نکردند. ملتگاهی که استبداد داخلی را تحمل نکردند، آیا استبداد امریکایی را تحمل خواهند کرد؟! عجب غلطی و عجب اشتباهی!

ممکن است چهار دولت ضعیف و بی شخصیت و منقطع از ملت خود، در مقابل هارت و هورتها و تشرها و تهدیدها و دخالتهای امریکا تسلیم شوند؛ ولی ملتها و دولتهای با شخصیت که با ملت خودشان روابط مناسبی دارند، نه در اروپا و نه در آسیا و نه در آفریقا، تسلیم زورگوییهای امریکا نخواهند شد. اگر ملتی مثل ملت مبارز و رشید ایران باشد و میدانهای مبارزه را تجربه کرده و این همه شهید داده باشد و از دریاها خون عبور کرده باشد و زن و مردش در میدانهای خطر، مثل شیر غریبه باشند؛ امریکا اگر پا جلو بگذارد، این ملت آنچنان با مشت به دهانش خواهد کوبید که از او چیزی باقی نماند.

ملتی که به خدا معتقد و مؤمن و متکی است و به آینده امیدوار است و با پرده نشینان غیب در ارتباط است؛ ملتی که در دلش خورشید امید به آینده و زندگی و لطف و مدد الهی می درخشد، هرگز تسلیم و مرعوب نمی شود و با این حرفها، از میدان خارج نمی گردد. این، خصوصیت اعتقاد به آن معنویت مهدی علیه آلاف التحية والثناء است. عقیده به امام زمان، هم در باطن فرد، هم در حرکت اجتماع و هم در حال و آینده، چنین تأثیر عظیمی دارد. این را باید قدر دانست.

من توصیه می کنم که این توسلات را - که مردم ما بحمدالله داشته اند و دارند و در سالهای بعد از انقلاب، به فضل پروردگار چندین برابر شده است - هر چه با کیفیت تر ادامه دهند و توجهات و الطاف آن بزرگوار را به سمت خود جلب کنند. آن بزرگوار، حاضر است و از ملت و شیعه ی خود، جدا و غافل نیست. او، در میان مردم حضور دارد و مردم با توجه و توسل به او، ان شاءالله راه رشد و هدایت و فتح و پیروزی را به دست خواهند آورد. امیدواریم همه شما عزیزان، مشمول ادعیه زاکیه آن بزرگوار باشید و همه چشمهای منتظر، به جمال آن بزرگوار روشن شود.

والسلام علیکم ورحمةالله